

مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت

فرایند الحاق اساساً یک فرایند مذاکره است و شرایط الحاق از طریق مذاکره میان کشور متقاضی الحاق و اعضای سازمان جهانی تجارت معین می گردد. این به این معناست

که شرایط الحاق، شرایط از پیش تعیین شده ای نیست و بلکه منوط به مذاکره میباشد.

مذاکرات چند جانبه در خصوص مطابقت با قواعد اگر چه اساساً بر موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت استوار است اما ممکن است حقوق کمتر یا تعهدات افزون تری نسبت به آنچه در قواعد سازمان آمده است در خلال مذاکرات بر کشور متقاضی تحمیل گردد.

بنابراین، نحوه مذاکره تعیین کننده نحوه الحاق و پیامدهای مثبت و منفی آنست. اینکه نحوه مذاکرات به چه گونه ای سامان یابد وابسته به آنستکه نگرش به مذاکرات الحاق چگونه باشد.

یک نکته اساسی در این خصوص آن است که الحاق خود نباید هدف مستقلی تلقی گردد، بلکه باید آن را عنصری کلیدی در مسیر اجرای اهداف سیاست های توسعه ای تجارت ملی به شمار آورد.

این اهداف بایستی قبل از شروع جریان الحاق به روشنی تعریف شده باشند به نحوی که شرایط الحاق در دامنه محدودیت های این سیاستها قرار گیرند.

اگر قرار باشد الحاق با شرایط متعادلی انجام گیرد و منافع ملی با حساسیت بیشتری دنبال شود باید از قبل آمادگی کامل و هماهنگی تام بین نهادهای دولتی و توافق همه گیر سیاسی در کشور بوجود آمده و بخوبی دانسته شود که مذاکرات الحاق جریانی مشکل، پیچیده و گاه زمانبر است.

چنین مذاکراتی مسائل راهبردی و بلند مدت را که بر سیاستهای توسعه و تجارت کشورهای درگیر تأثیر دارد با آینده این کشورها پیوند می دهد.

البته الحاق خود منافعی را در بر دارد و از جمله به کشورها اجازه طراحی راهبرد های بلند مدت توسعه ای و سیاست های تجاری را در محیطی با ثبات تر و با قابلیت پیش بینی بیشتر می دهد. اما این منافع الحاق توجیه کننده هر بهایی برای آن نمی باشد و آنچه در این راستا حائز اهمیت بسیار است آن است که الحاق به گونه ای سامان یابد که در کوتاه مدت و بلند مدت کمترین پیامدهای منفی را بر اقتصاد کشور داشته باشد.

در اینصورت ممکن است تأکید مذاکرات الحاق به جای تسریع در روند عضویت متوجه دستیابی به شرایط قابل قبول برای الحاق گردد، صرفنظر از آنکه حصول توافق بر سر چنین شرایطی چقدر به درازا بیانجامد. در عین حال، در مقاطع زمانی خاص ممکن است پیشبرد اهداف مذاکراتی آسان تر باشد و انعطاف های بیشتری در پیشبرد روند الحاق و شتاب بخشی به آن پدید آید که باید مغتنم شمرده شود.

بخشی از دشواری و پیچیدگی مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت، علاوه بر معین نبودن پیشاپیش تعهدات عضویت و نیز دامنه وسیع موضوعات، به ماهیت یک جانبه این مذاکرات مربوط میشود. در مذاکرات الحاق، تعهدات اعضای پیشین سازمان جهانی تجارت قبلاً معین گردیده است و کشور در حال الحاق نمی تواند تغییری در این تعهدات و نیز موافقت نامه های سازمان بدهد، گو اینکه ممکن است محروم شدن کشور در حال الحاق از پاره ای از این تعهدات در پروتکل الحاق بر آن تحمیل گردد.

در حقیقت، در مذاکرات الحاق تنها بطور یک جانبه حقوق و تعهدات کشور متقاضی الحاق معین میگردد. تعهدات الحاق که بهای بلیط ورودی به باشگاه سازمان جهانی تجارت و برخورداری از حقوق عضویت تلقی میگردد شامل تعهدات مطابقت مقررات ملی با مقررات سازمان جهانی تجارت و نیز تعهدات تأمین دسترسی به بازار کالاها و خدمات برای خارجیان است که طی مذاکرات چند جانبه فضای جولان تا اندازه ای محدود و منحصر به زمانبندی اجرا، امکان حفظ موقت رویه های مخالف با موافقت نامه های تجاری چند جانبه، قبول موافقت نامه های میان چند طرف و غیره می باشد، اما در مذاکرات دو جانبه، میدان بیشتری برای جولان وجود دارد و مذاکرات بیشتر حالت اصیل و واقعی خود را می یابد، گویا اینکه امتیاز دهی کشور در حال الحاق در این مذاکرات به اقتضای طبیعت آن یک طرفه است.

اگرچه میدان جولان در مذاکرات چند جانبه رژیم تجاری که ناظر بر سازگاری مقررات ملی با مقررات سازمان است محدود می باشد، اما این سازگاری به معنای نادیده گرفتن ملاحظات سیاست تجاری ملی و پذیرش منفعلانه مقررات سازمان نیست. این مرحله را نباید گنجانیدن ساده مقررات سازمان در مقررات ملی تلقی کرد بلکه لازم است شرایط ملی و سیاستی کشور ملحوظ گردد، چراکه مقررات سازمان خلاها و حق انتخاب هایی به همراه دارد و بعلاوه نیازمند سازوکارهای اجرائی می باشد.

سازگاری مقررات ملی با مقررات سازمان که شرط مطابقت خوانده میشود و از الزامات الحاق به شمار میآید مانعی برای لحاظ ملاحظات سیاستی ملی نیست بلکه لازم است این مطابقت بنحو فعالانه و با در نظر داشتن شرایط اقتصادی، قابلیت ها و ظرفیت های ملی، برنامه ها و سیاستهای اقتصادی کشور و اهداف آن و نیز ساختار حقوقی حاکم صورت گیرد.

در واقع در کنار چارچوب الزامات سازمان جهانی تجارت، چارچوب دوم ملاحظات سیاستی ملی است که در دامنه سازگاری با مقررات سازمان جهانی تجارت اهداف سیاستی ملی را فعالانه دنبال می کند و این مهم البته مستلزم ظرفیت سازیهای لازم است.

در عین حال در این مذاکرات ممکن است منع استفاده از پاره ای مقررات که در سازمان جهانی تجارت اساساً مجاز شمرده می شوند در زمره درخواستهای اعضای سازمان درآید یا درخواست هائی که به روشنی خارج از قلمرو تعهدات سازمان جهانی تجارت است طرح گردند.

کشور متقاضی الحاق بایستی در خلال مذاکرات، پذیرش هرگونه حقوق کمتر یا تعهدات فراتر از مقررات سازمان جهانی تجارت را نفی کند. ممکن است پاره ای از این درخواستهای زیاده از حد، در دستور کار برنامه های ملی قرار داشته باشند اما باید به تفاوت اجرای آزادانه و موقت یک برنامه ملی و تعهدات بین المللی در آن خصوص توجه داشت و نباید آزادی عمل سیاست ملی را واگذار نمود و مشمول تعهدات بین المللی قرار داد. یک نمونه بارز چنین مواردی برنامه های تعدیل ساختاری و خصوصی سازی است.

اتخاذ موضع مذاکره مبنی بر عدم پذیرش مطلق حقوق کمتر و تعهدات فراتر از سازمان جهانی تجارت میتواند با تفکیک قائل شدن زمانی و مکانی میان مذاکرات چند جانبه رژیم تجاری و مذاکرات دوجانبه تقویت گردد. معمولاً مذاکرات دو جانبه پس از آنکه کار مطابقت و بررسی رژیم تجاری و مرحله حقیقت یابی پیشرفت کافی نشان داد آغاز میشود و در عین حال بررسی مطابقت همچنان ادامه مییابد و گاه تا آخرین مرحله الحاق به درازا می کشد. معمولاً دامنه اجرای مطابقت ها حتی به دوره پس از عضویت نیز میانجامد و این بدان معناست که ضرورتی مبنی بر

تأمین سریع مطابقت ها مادام که تأخیر میتواند در خدمت اهداف سیاست تجاری ملی باشد وجود ندارد و نباید لزوماً تعهدات محدود کننده را در حالیکه هنوز الزام حقوقی بین المللی به اجرای آنها وجود ندارد به اجرا درآورد. اگرچه تا زمانیکه الحاق پایان نیافته است الزامات الحاق تعهد آور تلقی نمی گردند، اما در عین حال از کشورهای در حال الحاق انتظار می رود در جریان الحاق، اقدامات محدود کننده تری اعمال نکنند. [مهمترین ثمره الحاق، تضمین ثبات رفتار تجاری طرفهای تجاری در بازارهای صادراتی است. به هر میزان که صادرات در سیاست توسعه ملی دارای اهمیت باشد، الحاق نیز اهمیت می یابد. صادرکنندگان در بازارهای صادراتی از امنیت و قابلیت پیش بینی پذیری بیشتری برخوردار می گردند و ابزارهای حقوقی لازم برای مقابله با رفتارهای تبعیض آمیز و غیر منصفانه تجاری برایشان فراهم می آید. همچنین الحاق، امکان مشارکت در اتخاذ تصمیماتی را که قواعد آینده تجارت بین الملل را رقم می زند فراهم می سازد. اما در رهگذر الحاق، اصلاحات گسترده تجاری در اقتصاد ملی به منظور شفافیت و رقابت بیشتر صورت می گیرد که ضمن منفععی که دارد تهدیداتی را متوجه تولید کنندگان داخلی و اقتصاد ملی می کند.]

سحر طیار

اداره کل استاندارد استان فارس

وضعیت عضویت کشورهای جهان در سازمان جهانی تجارت

شمار اعضای سازمان جهانی تجارت اینک به ۱۵۰ عضو میرسد که تنها ۶ عضو کشور تلقی نمیگردند و قلمروهای مجزای گمرکی محسوب میشوند. صرفنظر از این ۶ قلمرو گمرکی (شامل هنگ کنگ و ماکائو در چین، تایوان و اتحادیه اروپا) از مجموع ۱۹۲ کشور جهان (کشورهای عضو سازمان ملل متحد بعلاوه واتیکان) ۱۲۶ کشور (سه چهارم کشورهای جهان) عضو کامل سازمان جهانی تجارت بشمار می روند و تنها ۶ کشور (یک چهارم کشورهای جهان هنوز به عضویت کامل این سازمان درنیامده اند. این در حالی است که اعضای سازمان بیش از ۹۵ درصد و کشورهای غیر عضو کمتر از ۵ درصد تجارت جهان را در اختیار دارند. [در حدود نیمی از سهم تجارت کشورهای غیر عضو به دو کشور بزرگ روسیه و ایران تعلق دارد که به ترتیب بزرگترین قدرت های تجاری خارج از سازمان محسوب می شوند. اوکراین و ویتنام در رتبه های بعدی قرار می گیرند.]

از میان ۱۲۶ کشور باقیمانده جهان، ۲۹ کشور از سازمان جهانی تجارت درخواست الحاق نموده اند که ۲۸ کشور از آنها، با پذیرش درخواست الحاقشان در شورای عمومی این سازمان، وارد فرآیند الحاق شده اند. ۱۰ اقتصاد در حال گذار که ۷ جمهوری شوروی سابق (که روسیه، اوکراین، روسیه سفید و قزاقستان بزرگترین آنها هستند)، ۲ کشور بجای مانده از یوگسلاوی سابق (۲ جمهوری یوگسلاوی سابق) و ویتنام را شامل میشود، ۱ کشور در کمترین درجه توسعه یافتگی و چند کشور در حال توسعه دیگر که ایران، الجزایر، عراق و لیبی مهمترین آنها هستند، کشورهای در الحاق را تشکیل میدهند.

[کشور کوچک آندورا که در مرز فرانسه و اسپانیا واقع است تنها کشور در حال الحاق است که گاه از آن با عنوان کشوری توسعه یافته یاد میشود.]

سوریه در سال ۲۰۰۱ در خواست الحاق خود را تسلیم سازمان جهانی تجارت کرده است اما هنوز وارد فرآیند الحاق نشده و گروه کاری الحاق آن تشکیل نشده است.

۲ کشور واتیکان (از ۱۹۹۷) و گینه استوایی (از ۲۰۰۲) عضو ناظر سازمان هستند اما درخواست الحاق خود را تسلیم سازمان جهانی تجارت نکرده اند.

۱۵ کشور باقی مانده جهان که هنوز درخواست عضویت در سازمان جهانی تجارت را ارائه نکرده اند و از عضویت ناظر نیز برخوردار نیستند به تفکیک مناطق آنها عبارتند از:

در آسیا: ۱- ترکمنستان ۲- کره شمالی ۳- تیمور شرقی
در آفریقا: ۴- سومالی ۵- اریتره ۶- لیبریا ۷- کومور
در اروپا: ۸- موناکو ۹- سان مانیرو
در اقیانوسیه: ۱۰- جزایر مارشال ۱۱- جزایر میکرونزی ۱۲- کریباتی
۱۳- نائورو ۱۴- پالاو ۱۵- تووالو.

منابع:

۱- پایگاه اینترنتی سازمان جهانی تجارت (WWW.WTO.ORG)

۲- مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت، گروه نویسندگان دفتر نمایندگی تام الا اختیار تجاری ج.ا.ایران

۳- WTO TRAINING PACKAGE , MODULES,GATT: BASIC PRINCIPLES